نقش مصاحبه کننده در گردآوی اطلاعات تاریخ شفاهی

ضیا ظریفی، ابوالحسن

تاریخ شفاهی کشور عزیز ما،فصلنامهء گنجینهء اسناد را به مخزنی از اطلاعات مفید و گرانبها تبدیل کرده است.قسمت اعظم مطالب منتشره در این‏ فصلنامه،در اثر کوششهای بیدریغ کارشناسان اداره مصاحبه تاریخ شفاهی‏ تهیه شده است و این کوششها و تکنیک‏های فنی مصاحبه‏کنندگان،با مصاحبه‏ شوندگان ارتباطی ناگسستنی دارد.برای ارج نهادن به این کوششهای صمیمانه، بر آن شدم که مقالهء زیر را جهت اطلاع خوانندگان تقدیم بدارم.

شکی نیست که کوشش سازمان اسناد ملی ایران در گردآوری این‏ اطلاعات،می‏تواند منبع باارزشی برای تاریخنگاری کتبی آیندهء میهن ما باشد؛ همان کاری که غالب دانشگاههای بزرگ دنیا در بخشهای تاریخ و علوم،از سالیان گذشته به آن پرداخته‏اند.

حقیقت این است،روزی که سرکار خانم رؤیا محمدلو2برای انجام‏ مصاحبه‏ای در تاریخ 11/8/79 تلفن کردند،من با اکراه قراری با ایشان گذاشتم‏ و فکر می‏کردم مانند بسیاری از مصاحبه‏های دیگر-که در سالهای اخیر، بخصوص بیش‏تر از طرف مجلات پزشکی و تخصصی با من انجام گرفته- چند دقیقه‏ای با ایشان صحبت خواهم کرد.ولی وقتی که ایشان برای انجام‏ مصاحبه به آزمایشگاه من آمدند و نامهء ریاست سازمان را دربارهء شرایط مصاحبه‏ به من دادند،با بیان اهداف سازمان از این مصاحبه،مرا متوجه اهمیت موضوع‏ کردند.برای فرار از دست ایشان،عرض کردم که من نه شخصیت سیاسی مهمی‏ هستم که خاطراتم به درد نگهداری در آرشیو سازمان بخورد،و نه نویسندهء رمانهای هیجان‏انگیز!ولی در کار تخصصی پزشکی و آزمایشگاهی خود،در سطح ملی و بین‏المللی کارهایی انجام داده‏ام و در طی چهل سال و بخصوص‏ بیست‏وپنج سال بعد از انقلاب،بیش از بیست جلد کتاب علمی و در چندسال‏ اخیر،سه جلد کتاب اجتماعی و سیاسی از من منتشر شده است.

استدلالم برای خانم مصاحبه‏کننده،قانع‏کننده نبود و ایشان آن چنان با محبت به ذکر اوصاف و فضائلم-که نمی‏دانم از کجا جمع‏آوری کرده بودند- پرداخت که براستی باورم شد که،من هم کسی هستم و باید خاطراتم در آرشیو سازمان اسناد باقی بماند تا آیندگان و بخصوص جوانان،از آن استفاده کنند.

وقتی که براساس اصول مصاحبه‏های تاریخ شفاهی،برنامهء خود را پیشنهاد کردند و موافقت مرا گرفتند،دستگاه ضبط صوت را روشن کردند و از سال و محل تولد،دوران کودکی و نوجوانی و زندگی فامیلی من سوال کردند و جواب شنیدند.روز اول،مصاحبه تقریبا دو ساعت به طول انجامید و چون‏ کار نیمه تمام باقی ماند،مصاحبه به هفتهء بعد و بعدتر موکول شد.در جلسهء پایانی،با همسرم سرکار خانم دکتر توران زیرکزاده‏3نیز چند دقیقه‏ای مصاحبه‏ به عمل آمد که مجموعا بیش از چهار ساعت طول کشید و در پنج کاست ضبط شد.سازمان،آنها را به ضمیمهء عکسهایی که عکاس سازمان گرفته بودند،برایم‏ فرستادند که در حقیقت یادگاری از من برای فرزندان و نوه‏هایم می‏باشد.

تاریخ شفاهی،یکی از مهم‏ترین راههای جمع‏آوری اطلاعات است و قرنها،تنها منبع ضبط حوادث و اتفاقات گذشته و انتقال آن برای نسلهای آینده‏ بوده است.بخش اعظم تاریخ گذشتهء حهان،سرگذشت بزرگان علم و دانش یا سیاستمداران و حتی جنایتکاران معروف،از این راه جمع‏آوری شده است.

بعد از تکمیل فناوریهای جدید و ضبط صدای مصاحبه‏شوندگان در ضبط صوت،چه به صورت کاست و یا CD و یا تصویربرداری،مقولهء تاریخ‏ شفاهی به مرحله تازه‏ای رسیده است.به همین جهت می‏بینیم که در طی سی‏ سال اخیر،در تمام جهان تدوین تاریخ شفاهی شتاب بیش‏تری یافته است. تاریخ‏نویسان حرفه‏ای،تاریخ‏نویسان فامیلی،روزنامه‏نگاران،خبرنگاران و همچنین مسئولان آرشیوهای اسناد،از این راه به گنجینه‏های بزرگی دست‏ یافته‏اند که بعدها باید در تدوین آنها اقدام کنند و یا در پایگاههای رایانه‏ای در دسترس عموم قرار دهند؛کاری که امروزه اکثر دانشگاههای بزرگ جهان مانند هاروارد،کرنل و غیره انجام می‏دهند.

از چه کسانی مصاحبه به عمل می‏آید؟

افراد مختلف بر حسب مشاغل و یا اتفاقاتی که برای آنها افتاده و یا خود، دست‏اندرکار در یک موضوع خاص تاریخی بوده‏اند،مورد مصاحبه قرار می‏گیرند. در اینجا نقش مصاحبه‏کننده بسیار حائز اهمیت است و بر حسب آنکه‏ موضوع مصاحبه دربارهء چه مسئله‏ای باشد،مصاحبه‏کننده،باید مقدمات‏ امر را فراهم نماید.غالب مصاحبه‏شوندگان چه قبل و چه هنگام مصاحبه، دچار نوعی اضطراب و استرس درونی می‏گردند و در این حالت، مصاحبه‏کننده باید کوشش کند که با ایجاد آرامش در طرف مقابل، اضطراب او را کاهش دهد تا بتواند پاسخهای بیش‏تر و صحیح‏تری برای‏ سؤالات خود به دست آورد.

مصاحبه‏کننده،باید محیطی به وجود آورد که مخاطب احساس‏ آرامش کند.گاهی محیط مصاحبه به علت تاریکی بیش از حد،نور زیاد، سروصدا و یا سرما و گرمای بیش از حد به انجام مصاحبه صحیح لطمه‏ وارد می‏سازد.بنابراین نقش مصاحبه‏کننده،ایجاد محیطی مناسب برای‏ کسب حداکثر اطلاعات می‏باشد.محیط مناسب حتی شامل نحوهء نشستن‏ دو طرف در مقابل هم،قرار دادن صندلیهای راحت،تعبیهء دستگاه ضبط صوت و یا دستگاه تصویربرداری در محل مناسب نیز می‏باشد.

اگر افرادی مورد مصاحبه قرار می‏گیرند که احساس می‏شود اطلاعات فراوانی دربارهء حادثه‏ای تاریخی و یا جنایی دارند و یا شاهد ماجراهائی بوده‏اند که افکار عمومی مشتاق دانستن آنهاست،مصاحبه‏کننده‏ باید روشهای خاصی را برای دریافت پاسخ مناسب به کار بندد و به‏ مصاحبه‏شونده اطمینان بدهد که اگر پاسخهای او جنبهء محرمانه دارد و یا ممکن است در دادگاهی به ضرر او مورد استفاده قرار گیرد،از ذکر آنها خودداری خواهد شد.گاهی مصاحبه‏کننده،احساس می‏کند که دانش او دربارهء موضوعی خاص بیش از اطلاعاتی است که مصاحبه‏شونده به او می‏دهد،در چنین حالتی مصاحبه‏کننده نباید طوری رفتار کند که او را در حالت انفعالی قرار دهد.یک مصاحبه‏کنندهء خوب،باید یک شنونده خوب‏ و باحوصله باشد؛گرچه در بسیاری موارد شنیدن مسائل تکراری،ممکن‏ است خسته‏کننده باشد،ولی مصاحبه‏کننده می‏تواند با توجیه مطلب، مصاحبه‏شونده را وادار کند تا مطالب تکمیلی را دربارهء موضوع مورد بحث‏ به خاطر بیاورد و آنها را بیان کند.

به خاطر آوردن یک مسئلهء،یعنی تحریک حافظه؛حافظه،یکی از مسائل بسیار مهم در مصاحبه است.پرواضح است که حافظه،یکی از مختصات اساسی مغز انسان است و قدرت یادآوری اطلاعات بیش‏تر،به‏ ''پسیکولوژی‏4``و''نوروساینس‏5``بستگی دارد.آیا واقعا حافظه در جای‏ مشخصی از مغز قرار دارد و در آنجا انبار و متراکم می‏شود؟و چگونه‏ می‏توان حافظه را فراخوان کرد؟

در ساختار مغز آدمی،حافظهء شفاهی در نیمکرهء چپ و حافظهء فضائی‏ با نیمکره راست پیوند دارد.مغز آدمی-که توده‏ای در حدود 1300 تا 1350 گرم است-با ده میلیارد یاختهء عصبی و یکصد میلیارد یاختهء کوچک،نقش‏ فرماندهی را در بدن بازی می‏کند.''سرجون کریو اکلز6``که در سال‏ 1963 برنده جایزهء نوبل در پزشکی و فیزیولوژی شد،تحقیقات خود را دربارهء فعالیتهای مغز و نحوهء رفتار اعصاب متمرکز کرده بود.وقتی یک‏ سلول عصبی(نرون)با سلول عصبی دیگری تلاقی می‏کند،''سیناپس‏7``به‏ وجود می‏آید.ابتدا تصور می‏شد که تحریکات عصبی،دارای خاصیت‏ الکتریکی است؛ولی اکلز و همکارانش،ثابت کردند که تحریکات عصبی، به وسیلهء تبادلات شیمیایی موادی به نام استیل کولین-که به مقدار کم ترشح‏ جناب آقای دکتر ابو الحسن ضیا ظریفی

می‏شود-غشای فیبرهای عضلانی را تحریک می‏کند و این تبادلات‏ شیمیایی است که مسئلهء''حافظه‏``را مطرح می‏کند.اکلز،در کتاب جالب‏ خود تحت عنوان ``The Self And Its Brain'' نوشته است:ما زندگی را از کودکی آغاز می‏کنیم؛رشد می‏کنیم و سپس پیر می‏گردیم. مع الوصف،همواره خاطرهء دائمی برای ما وجود دارد.مصاحبه‏کننده،باید این خاطره را تحریک کندو حافظهء مصاحبه‏شونده را به کار اندازد.البته‏ بر حسب آنکه این حافظه مربوط به دوران بسیار گذشته یا زمان حال باشد، نحوهء یادآوری و باز گفت خاطرات کمی فرق می‏کند.''حافظهء اپیژودیک‏8`` یا''اتوبیوگرافیک‏9``،خاطرهء زمانها و مکانهای خاصی است.مصاحبه‏کننده، زوایای پنهان مغز را می‏کاود تا مصاحبه‏شونده،ناگفته‏ها را بازگو کند و او را به مرحلهء''حافظه ایدوتیک‏10``یا''فتوگرافیک‏11``برساند.

من به‏عنوان یک متخصص آزمایشگا،می‏توانم بگویم که همهء تحریکات عصبی و واکنشهای مغز آدمی،در حقیقت به مثابهء آزمایشگاه‏ کوچکی است که دائما میلیونها سلول در آن واکنشها دخالت دارند.حالا اگر مصاحبه‏کننده انتظار دارد که خاطره‏ای از مصاحبه‏شونده بشنود که‏ دستخوش فراموشی شده است،باید این هنر را داشته باشد که با روشهای‏ خاص،خاطرات او را زنده کند.به قول یک نویسندهء روانکاو، سرکار خانم دکتر توران زیرک‏زاده ، مصاحبه‏کننده مانند فرد متخصصی است که جعبهء سیاه هواپیمایی ساقط شده‏ای را پیدا کرده و به آنالیز داده‏های آن می‏پردازد تا علت حقیقی سقوط یا سانحه را پیدا کند.این جعبهء سیاه مغز،به افرادی متخصص،مانند خانم‏ رویا محمدلو نیاز دارد تا حافظه‏ها را تجدید کند.

وقتی که مصاحبه‏گر محترم با من صحبت می‏کرد،وضعی به وجود آورد که همهء نکات کوچک و بزرگ زندگیم در مقابل دیدگانم قرار گرفت‏ و در حقیقت،حافظهء فتوگرافیک من بسیار فعال شد.مصاحبه‏کننده،باید کوشش کند که بتواند حداکثر پاسخهای خود را از مصاحبه‏شونده دریافت‏ کند.در حقیقت نقش اساسی مصاحبه‏کننده،آن است که وضعی به وجود آورد که مصاحبه‏شونده،حقیقت را دربارهء موضوع و هدف او بیان کند. مصاحبه‏کننده،باید تمام حواس خود را برای انجام مصاحبه متمرکز کند و در تمام مدت مصاحبه حضور ذهن داشته باشد.

گاهی مصاحبه‏کننده،ناخودآگاه انگیزهایی در مصاحبه‏شونده‏ ایجاد می‏کند که او را به انجام واکنشهایی سوق می‏دهد.همان‏طور که یک‏ جراح متخصص اعصاب،می‏تواند با تحریک به وسیلهء الکترودها،لایه‏های‏ کورتکسهای معینی را در مغز بدرستی مشخص کند،مصاحبه‏کننده هم با تحریک مغزی،می‏تواند تمام یا قسمت زیادی از بایگانی موجود مصاحبه‏شونده را مرور کند.وقتی مصاحبه‏کننده با مخاطب خود صحبت‏ می‏کند و ارتباط چشمی و صوتی برقرار می‏کند،در حقیقت دستگاه نرونی‏ مغز او بر مخاطب و یا برعکس اثر می‏گذارد و هر کلمه‏ای از جانب دو طرف،موجب یک تغییر شیمیایی در مغز می‏شود.

مهم‏ترین نقش مصاحبه‏کننده،آن است که قبل از انجام مصاحبه، اطلاعات لازم را دربارهء فرد مصاحبه‏شونده جمع‏آوری کند و یا دربارهء حادثه‏ای که قصد انجام مصاحبه دارد،مطالعه کرده باشد.وقتی‏ مصاحبه‏کننده از من دربارهء زندگی خانوادگی و عموهایم پرسید، در حقیقت مانند''فلش بک 12``فیلمی،مرا به دوران کودکی برد و به یاد آوردم‏ که مثلا عموی مرحومم دکتر یحیی ظریفی-که مدتی طبیب اردوی میرزا کوچک خان در کسما بود-هروقت به لاهیجان به منزل ما می‏آمد،یک‏ بسته بادام سوخته به من می‏داد.به همین جهت،من در هر مجلسی که بادام‏ سوخته ببینم،بدون تردید به یاد عموی مرحومم می‏افتم و این هنری بود که‏ سرکار خانم رویا محمدلو در مصاحبه چهار ساعتهء خود نشان داد.

نتیجه اینکه من پس از آن مصاحبه،مصمم شدم تمام خاطرات زندگی‏ خود را دوران کودکی،جوانی،تحصیل در داخل و خارج،مسافرتهای‏ متعدد به‏عنوان کارشناس بهداشت جهانی یا شرکت در کنگره‏های علمی‏ و...بنگارم.من و همسرم،از این بابت مدیون سازمان اسناد و کتابخانه ملی‏ و سرکار خانم رؤیا محمدلو هستیم که چنین موقعیتی را برای بنده فراهم‏ کردند که به نوشتن این کتاب اقدام کنم و از این نظر،حقیقتا سپاسگزار هستم.به قول سعدی:

مرد خردمند هنرپیشه را عمر،دو بایست در این روزگار تا به یکی تجربه آموختن‏ با دگری تجربه بردن به کار

پی نوشتها:

(1)-فوق دکترای میکوباکتریولوژی از انگلستان.

(2)-کارشناس برنامه‏ریزی و بررسی اسناد.

(3)-دکترای متخصص علوم آزمایشگاهی از دانشگاه تهران.

(4). Psychology

(5). Neuroscience

(6). Sir John Carew Eccles

(7). Synapse

(8). Episodic Memory

(9). Autobiographic

(10). Eidotic Memory

(11). Photographic

(12). Flashback

منابع:

(1)- Hooper And Dikterne:The Three Pound Universe مترجم دکتر ابراهیم یزدی،جهان شگفت‏انگیز مغز،انتشارات قلم،چاپ اول 1372.

(2)-ضیا ظریفی،الو الحسن،برندگان جایزه نوبل در پزشکی و فیزیولوژی‏ 1997-1901،فرهنگستان علوم پزشکی ایران،تهران 1377.

(3)- Encyclopedia 2005-06-06. AKRI:Memory From Wikipedia,The Free

(4)-. AKRI:Interviewing a Knowledge Based Approach 2005-06-06